

سیر در سیاره‌ها

بررسی گوشه‌های سیار، فواصل ممنوع و بسترهای نو

نوشته

ارشاد تهماسبی



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور
تهران ۱۳۹۸

فهرست نویسی پیش از انتشار

- سرشناسه : تهماسبی ارشد ۱۳۶ -
- عنوان و نام پدیدآور : سیر در سیرالبحر: بررسی ارشدها، فواصل ممنوع و بسترهای نو / نوشته ارشد تهماسبی.
- مشخصات نشر : تهران: ماهور، ۱۳۹۸.
- مشخصات ظاهری : ۲۹۲ ص.: مصور، جدول (بخشی یک)
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۷۲-۸۰-۷
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- یادداشت : کتاب نامه.
- موضوع : موسیقی ایرانی -- دستگاه ها -- ردیف
- موضوع : Music, Iranian -- Dastgah -- Radif
- موضوع : موسیقی ایرانی -- دستگاه ها -- ردیف -- پارتیسیون
- موضوع : Music, Iranian -- Dastgah -- Radif -- Scores and parts
- موضوع : آواز ایرانی -- دستگاه ها -- ردیف
- موضوع : Singing, Iranian -- Dastgah -- Radif
- موضوع : موسیقی ایرانی -- گام ها
- موضوع : Music, Iranian -- Scales
- رده بندی کنگره : ML ۳۴۴
- رده بندی دیویی : ۷۸۹/۶۲
- شماره ی کتابشناسی ملی : ۵۹۲۱۵۷۳



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف

کدپستی ۱۶۱۱۹۷۵۵۱۶

تلفن: ۷۷۸۰۱۱۰ فکس: ۷۷۵۰۶۵۵۳

www.mahoor.com in @mahoor.com

سیر در سیاره‌ها

بررسی گوشه‌های سیار، فواصل و سطح و اخترها، نو

نوشته

ارشاد تهماسبی

تصویرسازی جلد: ملیحه محسنی

صفحه‌آرایی: پویا دارابی

سه‌تار و آواز: افشین علوی

چاپ اول: ۱۳۹۸

تعداد: ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: باران

چاپ: پیمان

صحافی: رنوف

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۷-۸۰-۸۷۷۲-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-8772-80-7

فهرست

بخش اول

۹	سیر در سیاره‌ها
۱۱	اختصارها
۱۳	منازه
۱۷	موسیقی پیشااسلامی
۲۰	موسیقی مقام
۲۱	دوازده امام
۲۴	تجمع فواصل جزو
۲۷	بیست و چهار شعبه
۳۰	مقایسه
۳۱	نمودار فواصل
۳۶	چهل و هشت گوشه
۴۰	موسیقی دستگاهی
۴۵	ردیف میرزا عبدالله
۴۷	تئوری موسیقی ایرانی
۵۰	دستگاه و گوشه
۵۴	مقام (گوشه اصلی)
۵۸	نکته مهم
۶۰	درآمد
۶۲	نکته مهم
۶۳	آواز
۶۵	نغمه (در مفهوم دستگاه فرعی)
۶۷	ادامه دستگاه
۶۸	فرود
۶۹	رنگ
۷۱	ردیف
۷۳	روایت

۷۵	ردیف سازی
۷۶	ردیف آوازی
۷۷	مکتب‌های موسیقی
۸۰	کار عمل
۸۱	ردیف‌نوازی و بداهه‌نوازی
۸۳	گوشه‌ها
۸۶	مقام‌های زاینده و زائیده
۸۹	مقام مای دوگانه
۹۱	مقام‌های وزمینه‌ای
۹۲	مقام‌های خویشاوند
۹۴	بیات
۹۶	گوشه‌های سار
۹۷	نکته مهم
۹۹	نغمه (در مفهوم گوشه سار)
۱۰۲	مفاهیم چندگانه نغمه
۱۰۴	مرکب‌نوازی
۱۰۶	تداخل مقام‌ها
۱۰۹	ناهمخوانی عنوان‌ها و مطالب در گوشه‌های ردیف
۱۱۱	سیاره‌های گوشه‌گیر
۱۱۳	سیاره‌های زاینده و زائیده
۱۱۴	بررسی گوشه‌های سیار در سه زمینه
۱۱۶	روش نت‌نگاری
۱۱۸	آذربایجانی، راج روح
۱۲۲	بال کبوتر
۱۲۴	بسته‌نگار
۱۲۸	بغدادی، آبول، دست نگار
۱۳۱	پر پرستو
۱۳۳	پروانه
۱۳۵	پنجه‌شعری
۱۳۸	پنجه‌گردی
۱۴۰	پنجه‌مویه

۱۴۲	پیش‌زنگوله
۱۴۴	جامه‌دران
۱۴۸	جغتایی
۱۵۰	جوادخانی
۱۵۴	چهارپاره یا چهارباغ، مهربانی، نصیرخانی
۱۵۸	حاجی حسنی
۱۶۲	حُزّان
۱۶۴	حزین
۱۶۶	شروانی
۱۶۸	خزرمی، مجلس افروز
۱۷۲	دوبیتی
۱۷۴	دوتایی یا سه‌مقدم
۱۷۸	راز و نیاز، رامکلی
۱۸۲	رَجَز یا اُرجوزه
۱۸۶	زنگ شتر یا کاروانی
۱۹۰	زنگوله، فرنگ
۱۹۳	ساربانگ
۱۹۵	ساقی‌نامه، صوفی‌نامه، گُشته‌مُرده
۱۹۹	سُرورالملکی
۲۰۱	سوز و گداز یا شیرین و فرهاد
۲۰۵	طرز
۲۰۷	فردوس
۲۰۹	فرودآور
۲۱۱	کرشمه یا هزارمرتبه
۲۱۵	گرایلی
۲۱۸	لیلی و مجنون
۲۲۲	مثنوی
۲۲۶	محمدصادق‌خانی یا آقامحمدصادق‌خانی
۲۲۸	محیّر، بحرِ نور، مخبر
۲۳۰	موره
۲۳۲	مهدی‌ضرابی

۲۳۴	 میرزایی
۲۳۶	 نغمه سرخوشان
۲۳۸	 نغمه قلعین (نغمه ارمی)
۲۴۰	 نغمه مستفعلن (نغمه افسانه)
۲۴۲	 نغمه مفاعیلن (نغمه عشق)
۲۴۴	 نغمه مقلوبی
۲۴۷	 نیشابورک

بخش دوم

۲۴۹	 فواصل و بست‌های نو
۲۵۱	 مقدمه
۲۵۲	 بست‌های صوتی موسیقی مقامی
۲۵۳	 بست‌های صوتی و سیم‌دستگاه
۲۵۷	 چگونگی ایجاد دور یا بست سونم کامل
۲۶۱	 نام‌گذاری اجناس دانگ
۲۶۱	 جنس اول: شور
۲۶۲	 جنس دوم: اصفهان
۲۶۲	 جنس سوم: تُرک
۲۶۲	 جنس چهارم: ماهور
۲۶۲	 جنس پنجم: نوا
۲۶۳	 جنس ششم: دشتی
۲۶۳	 جنس هفتم: چهارگاه
۲۶۴	 ایجاد دور
۲۶۶	 نمایش ۹۸ دور
۲۷۲	 نمودار دورهای پنجاه و پنج‌گانه در دو طبقه
۲۷۴	 بحرهای شانزده‌گانه
۲۷۵	 نمودار بحرهای شانزده‌گانه
۲۸۰	 نام‌گذاری دورها
۲۸۷	 بررسی همهٔ اسامی ممکن در دورهای نود و هشت‌گانه

۲۹۰	 کتاب‌نامه
-----	-----------------

مقدمه

زمانی که نتوان بودم، استگی‌ام به موسیقی از طریق شنیدن برنامه‌های رادیویی «گل‌های رنگارنگ»، «گل‌های سرخ»، «گل‌های جاویدان» و «برگ سبز» شکل گرفت. پس از چندی دوستدارِ تار شدم و توانستم این ساز پرداختم و همین باعث انگیزه مضاعفی شد که به صورت جدی‌تری به آن برنامه‌ها که شش بدهم سعی می‌کردم فراز و فرودهای دستگاهی را که گوینده رادیو اعلام کرده بود و اجرا می‌شد تشخیص دهم و دریابم که در روند اجرا چه اتفاقی در حال روی دادن است مدتی بعد، ممارستی پی‌گیر، توانستم چهارگاه را مثلاً از ماهر تشخیص دهم و نیز بر اساس شنیده‌هایم از این و آن دانستم که در دستگاه چهارگاه، زابلی هست و مخالفی، و در دستگاه ماهر، دلکشی هست و شکسته‌ای. فقط همین، زیرا در اعلام برنامه‌های موسیقی رادیو رستم، گوندگان وارد جزئیات شوند و فقط به ذکر نام دستگاه‌ها و آوازها بسنده می‌کردند.

بنابراین برای هنجاری با موقعیت من، عنوان‌های درسیف ایرانی فقط در نام‌هایی چون چهارگاه و شور و دشتی و اصفهان و امثال اینها، و دست‌باز در نام گوشه‌های مشهوری چون بیداد و دلکش و مخالف خلاصه می‌شد. به این ترتیب پس از هر سال همه سرودستگاه‌ها و نیز یکی دو گوشه مهم هر دستگاه و آواز را تشخیص می‌دادم. این زمان در همدان بودم و شاگرد خانه فرهنگ که استاد تارش، پس از زنده‌یاد کاظم لباسی، سیاوش دیهیمی بود؛ آموزگاری بسیار مهربان و دوست‌داشتنی.

در این مقطع در کلاس او مشغول نواختن کتاب دوم هنرستان بودم. روزی استادم وارد کلاس شد و کتابی قطور را روی صندلی مجاور نشیمن‌گاه همیشگی‌اش گذاشت و مشغول کار با من شد. کمی بعد، لابد برای نوشیدن چای و کشیدن سیگاری، بیرون رفت و من بی‌اجازه او! کتاب را برداشتم و مشغول بررسی آن شدم. عنوانش این بود: «ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی، گردآورنده موسی معروفی».

عجب! این نام‌ها دیگر کدام‌اند؟ بسته‌نگار، حزین، محیر، آذربایجانی، مُعربِد و ... یک ماه بعد تهران بودم و پُرس پُرسان در خیابان پهلوی آن زمان (ولی عصر کنونی)، کمی بالاتر از میدان ولیعهد، با شوقی فراوان پی فروشگاه «گل‌بهار» می‌گشتم. علی‌رغم هیجانی که داشتم آسوده‌خاطر هم بودم زیرا می‌دانستم با پولی که همراه داشتم از پس خرید آن کتاب نفیس صدوپنجاه تومانی که شنیده بودم فقط در گل‌بهار یافت می‌شود، برمی‌آیم زیرا با مبلغ دویست و بیست تومانی که از فروش آلبوم‌های تبرم حاصل شده بود نه تنها می‌توانستم هزینه کتاب بلکه علاوه بر قیمت بلیط رفت و برگشت اتوبوس، هزینه یکی دو شب اقامت در مسافرخانه‌ای واقع در خیابان ناصرخسرو را نیز تأمین کنم. پس از خرید آن کتاب به همدان بازگشتم و در روزهای بعد مشغول کنکاشی سخت در آن شدم که البته حاصل - سیر - برآیم نداشت.

سال بعد، در مردادماه ۱۳۵۴ دوباره به تهران آمدم تا علاوه بر تحصیل در مقطع دوازدهم دبیرستان به کلاس تار هم بروم. یکی دو ماهی سپری شد ولی در این مدت فقط توانسته بودم دوسه ماهه از محمدرضا لطفی درس بگیرم زیرا او سخت مشغول فعالیت‌های اجرایی‌اش بود و با سغد فراوانی که داشت فرصت چندانی برایش باقی نمی‌ماند تا کلاس مستمر و منظم داشته باشد. بنابراین از ابتدای آذر همان سال به کلاس هوشنگ ظریف رفتم و طی دوسه ماهه منظم نواختن ردیف از روی همان کتابی شدم که پُر از نام‌های هیجان‌انگیز بود.

در آن چند ماه توانستم با تمرین‌هایی مستمر و خودآزمایی چند دستگاه و آواز را بنوازم و حفظ کنم. با وجود این هیچ درک و شناخت و تفهیم از سبک و مطالب‌شان نداشتیم. خوب به یاد دارم هنگامی که استادم دریافت که مطالب گنجینه را به سرعت حفظ می‌کنم از روی تذکر و نصیحت گفت «اینها را که حفظ کرده‌ای فراموش نکن. کم هستند کسانی که ردیف را از بر دارند».

در سال‌های پس از انقلاب با هجوم جوانان علاقه‌مند به کلاس‌ها، آموزش سازهای ایرانی - که علل و عوامل متفاوتی داشت و شرحش در این مجال نمی‌گنجد - رفته‌رفته آن عده معدود، بی‌شمار شدند و ردیف موسیقی برخلاف سالیان قبل، تبدیل شد به کارگانی لازم‌الاجرا در بیشتر کلاس‌ها و به‌خصوص در کلاس‌هایی که در «کانون فرهنگی-هنری چاووش» و «مرکز حفظ و اشاعه موسیقی» دایر می‌شد. من هم که دستگاه شور و آواز ابوعطای ردیف میرزاعبدالله را در دانشکده هنرهای زیبا، طی دو ترم در کلاس حسین عزیزاده، آموخته بودم پس از انقلاب به اصطلاح فرهنگی و بسته‌شدن دانشگاه‌ها راهی شهرستان شدم و بقیه دستگاه‌ها و آوازهای این ردیف را از روی نوار اجرای نورعلی

برومند و بدون اینکه نیتی در اختیار داشته باشم، آموختم و حفظ کردم و پس از چندی دوباره به تهران برگشتم و از سال ۱۳۶۲ در کانون چاووش به تدریس آن مشغول شدم. در سال‌های بعد به این نتیجه رسیدم که آموزش بدون تحلیل و بررسی، همان طور که در بیشتر کلاس‌ها و نزد بیشتر اساتید مرسوم بود و هست، کارایی چندانی در شناساندن موسیقی ایرانی به هنرجویان ندارد. چنان‌که شاگردانی می‌آیند و می‌روند و ردیفی را حفظ می‌کنند و پس از چندی، بی‌اینکه از جزئیات و ریزه‌کاری‌های آن شناختی داشته باشند، آن را از یاد می‌برند.

از سال ۱۳۷۰ سعی کردم آرام‌آرام از فعالیت‌های اجرایی دور شوم و به دغدغه اصلی‌ام که همانا تحقیق در این زمینه بود بپردازم. می‌خواستم در مرحله نخست دانش شخصی‌ام را در این راستا رتقا^۱ تا بیستم بعدها به چه نتیجه‌ای در آموزش ردیف به شاگردانم می‌رسم. این کار سرِ رسم شد. مگر با تحقیقی همه‌جانبه در همه ردیف‌ها و اجراها، کتاب‌ها و رساله‌های قدیم و جدید موسیقی، و علاوه بر اینها دستیابی به تجربه‌هایی در زمینه اجرای ردیف‌های سازی و آوازی. پس از چند سال حاصل کار در یکی از ابعاد مذکور، شد تألیف فرهنگ نواهای ایران با عنوان، کتاب گوشه، و تفسیر سه دستگاه موسیقی در رادیو فرهنگ^۲ و نیز تدارک یک مجموعه صوتی پنجاه‌ساعته با عنوان تفسیر دستگاه‌های موسیقی^۳. طی همین سال‌ها در بخش اجرایی هم اقدام به ضبط و تولید یک نمونه از ردیف‌های آوازی و یک نمونه از ردیف‌های سازی کردم و در طی این مراحل آموزش ردیف را در کلاسم، با در نظر گرفتن سطوح متفاوت شاگردان، با تفسیر و تشریح همراه کردم. پس از این دوره که بهتر است آن را دوران تجربه‌آموزی بنامم، از سال ۱۳۹۰ اقدام به برگزاری کارگاه‌هایی با موضوع شناخت مبانی ردیف در شهرهای بسیاری و سپس در تهران^۴ کردم. با برگزاری این کارگاه‌ها و مواجه شدن با مدرسان و شاگردان گوناگون به این دریافت رسیدم که میزان دانش و شناخت بسیاری از شاگردان حتی آنهایی که پیشرفته و ردیف‌نواخته و تحصیل‌کرده دانشکده‌های موسیقی بودند، از کلیات و جزئیات موسیقی ردیف بسیار اندک و در اغلب موارد نادرست است. تلقی و تفسیر همگی آنها از مطالب پیش‌پاافتاده‌ای مثل تفاوت دستگاه و مقام و گوشه دور از واقعیت ذاتی و نهفته

۱. این برنامه‌ها شامل ۵۷ قسمت و شرح دستگاه‌های شور و ماهور و چهارگاه بود. اولین قسمت آن روز پنجشنبه پنجم مردادماه ۱۳۸۵ و آخرین قسمت آن روز دوشنبه دوم دی‌ماه ۱۳۸۶ از رادیو بخش شد. محتوای این برنامه‌ها طوری تنظیم شده بود که بتواند برای مخاطبان عام هم سودمند باشد.

۲. انتشار آن چند سالیست به تعویق افتاده ولی قرار است به‌زودی منتشر شود.

۳. از جمله در شهرهای آباد، مشهد، لاهیجان، شیراز، ساری، بهبهان، خرم‌آباد، قزوین، کرج، کرمان، زنجان، الیگودرز و میانه.

در سیستم دستگاهی بود. می‌دیدم که شرکت‌کنندگان در کارگاه‌ها هنگامی که به شرح و تفسیرهایم گوش می‌دادند در مراحل نخست به شکلی بهت‌زده و تا حدودی با شک و تردید نگاهم می‌کنند ولی پس از سپری شدن یکی دو ساعت و درک مطالب — که به‌خوبی و بر اساس تجربه دریافتی بودم چگونه به این مرحله برسانم‌شان — باور جدیدی پیدا می‌کردند و شغف‌زده می‌شدند زیرا می‌دیدند با طبقه‌بندی‌ها و تفسیرهایی مواجه‌اند که بنایش نه بر شاخ‌وبرگ دادن و دشوار کردن بلکه بر زدودن و پیراستن و آسان کردن است. خوب به یاد دارم یکی‌شان که مدرس هم بود، در یکی از کارگاه‌های تهران، با حالت عجیبی، «مقاطععی از صحبت‌هایم می‌گفت «که این‌طور، عجب!». چند بار که چنین مضمونی را تکرار کرد به او گفتم «تو بدان کس می‌مانی که شخصی با بیان مطالبی باعث شود فکر کنی هرآنچه که رشته بودی پنبه شده و درحقیقت تو را به آیینی که سال‌ها بدان معتقد بودی طرد می‌کند که بخواهی از آن دست برداری». بی‌هیچ تأملی گفت «آری». برای شناختن درست و آسان از ردیف، ناگزیر از شناسایی مطالب و تفکیک اصل از فرع هستیم. باید بدانیم چه قسمت‌هایی مهم‌اند و کدام‌ها نیستند؟ باید بدانیم آیا می‌توانیم بی‌اینکه صدمه‌ای به اصل موسیقی و فضیلت واقعی موسیقی ردیفی وارد کنیم اجزایی از آن را حذف کنیم؟ باید بدانیم آیا می‌توانیم تعداد دستگاه‌ها و آوازها و گوشه‌ها را افزایش دهیم؟ و ...

درحقیقت موسیقی ردیف‌ما، به زبان من، از تجمع ستاره‌ها و سیاره‌هایی شکل گرفته است و دست‌برقضا همین سیاره‌ها یا سیاره‌ها هستند که بیشترین عنوان‌های ردیف را به خود اختصاص داده‌اند. پس بهتر است، به مثابه مثال شور و ماهور و سه‌گاه و چهارگاه و دشتی و بیداد و عراق و ... را که تعدادشان بسیار کمتر از سیاره‌هاست و اساس موسیقی‌مان بر وجود آنها استوار است، ستاره بدانیم و بنامیم.

شناخت و بررسی ستاره‌های ردیف آسان‌تر از سیاره‌هاست زیرا اینه‌الکیات‌اند و کمتر کسی در شناسایی‌شان دچار مشکل است. مگر تعدادشان چند تااست؟ زلزله یا حداکثر بیست تا. بنابراین پرداختن به ستاره‌ها را به مجال دیگری موکول کرده و تمرکز اصلی را در اینجا به بررسی تعداد و چگونگی و ماهیت سیاره‌ها معطوف می‌کنیم. البته در این راستا ناگزیر از بررسی کلی ستاره‌ها هم هستیم و در روند این نوشتار، به تناسب موضوع، به بررسی بعضی اصطلاح‌ها و موشکافی در بعضی مفاهیم نیز خواهیم پرداخت.

۱. هرمز فرهنگ چنین گوشه‌هایی را «سرگردان» نامیده است (دستگاه در موسیقی ایرانی: ۱۷۳). بااینکه نام بامسمایی‌ست ولی کمی بار منفی دارد.